

## گونه‌شناسی روایات تفسیری در فضیلت امام حسین علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۰ - تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۲۰

سید محسن موسوی \*

میثم خلیلی \*\*

### چکیده

بر اساس تفاسیر و روایات فریقین، ظاهر و باطن آیات بسیاری از قرآن کریم بر امام حسین علیه السلام ناظر است. پرسش این پژوهش، تنوع روش‌ها و گونه‌های روایات تفسیری پیرامون آیات نازل در فضیلت امام حسین علیه السلام است. این مقاله در صدد است مستند به آیات و روایات، و با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، انواع گونه‌های روایات تفسیری پیرامون آیات نازل شده در شأن امام حسین علیه السلام را بررسی و تحلیل کند. دست‌آوردهای پژوهش حاکی از این مطلب است که روش‌های متنوعی همچون روش قرآن به قرآن، جری و تطبیق، بیان مصداق، بطن و تأویل و سبب نزول آیات قرآن، در شناسایی و گونه‌شناسی روایات تفسیری پیرامون آیات فضایل امام حسین علیه السلام کاربرد دارد.

**کلیدواژه‌ها:** فضیلت ائمه علیهم السلام، امام حسین علیه السلام، گونه‌شناسی تفسیر قرآن، تفسیر اثری.

\* استادیار دانشگاه مازندران (sm.musavi55@gmail.com).

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (meysam.khalili1370@gmail.com).



یکی از مهم‌ترین روش‌های تفسیر قرآن «تفسیر روایی» است که در آن با استفاده از احادیث ارزش‌مند نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام به درک و فهم آیات قرآن پرداخته می‌شود. این احادیث ارزش‌مند، به لحاظ دارا بودن کارکردهای متفاوت، به گونه‌هایی قابل تقسیمند. دانشمندان و مفسران علوم قرآنی، تقسیم‌بندی‌های متعددی برای گونه‌های روایات تفسیری معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام ارائه کرده‌اند. ذکر این نکته نیز ضروری است که روایاتی که به طور مستقیم با قرآن مرتبطند، به دودسته کلی تقسیم شده‌اند: دسته نخست، روایاتی که به معرفی خود قرآن پرداخته و احیاناً قواعد فهم قرآن و علوم قرآنی را تبیین می‌کنند؛ دسته دوم، روایاتی که زمینه‌های فهم آیه را فراهم کرده و به آن‌ها «روایات تفسیری» می‌گویند. مراجعه به کتاب‌های تفسیری و ارزیابی روایات موجود در آن‌ها نشان می‌دهد این روایات، به لحاظ دارا بودن کارکردهای متفاوت، به گونه‌هایی قابل تقسیم هستند. با توجه به گونه‌های مختلف روایات تفسیری، ذکر این نکته لازم است که تفسیر قرآن براساس مبانی فکری هر مفسر، متفاوت است.<sup>۱</sup>

از مهم‌ترین حوزه‌های تفسیری، شناسایی آیاتی است که در شأن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نازل شده است. جهت شناسایی این آیات می‌توان به روایات تفسیری معتبر مراجعه کرد. در فضیلت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یکی از مصادیق اهل بیت، آیات بسیاری از قرآن کریم نازل شده است. گرچه به صراحت، نامی از حضرت در قرآن کریم نیامده، اما با مراجعه به روایات تفسیری که از ناحیه معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام و صحابه مورد اعتماد نقل شده، می‌توان ظاهر و باطن بسیاری از آیات قرآن کریم را ناظر به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام دانست. این آیات یا به طور کلی برائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را نیز شامل می‌شود، دلالت دارند و یا به طور خاص، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را ناظرند. با توجه به این‌که گونه‌های متنوع تفسیری هم‌چون روش تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با سنت، استفاده از شأن نزول و سبب نزول، بطن و تأویل، استفاده از تمثیل، جری و تطبیق، بیان مصداق آیات و... وجود دارد، هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست:

براساس روایات تفسیری فریقین، چه آیاتی در شأن و فضیلت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده است؟

گونه‌های مختلف روایات تفسیری که پیرامون شناسایی آیات در فضیلت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به کار می‌روند، چیست؟

۱. تحلیل گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومی عَلَيْهِمُ السَّلَام، ص ۱۷۹.

این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذکور، و گونه‌شناسی روایات تفسیری پیرامون آیاتی که در فضل امام حسین علیه السلام نازل شده‌اند، با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است.

درباره بررسی آیاتی که در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده‌اند و به فضیلت ایشان دلالت دارند، آثار مستقلی نگاشته شده است؛ مانند: *دانش‌نامه امام حسین علیه السلام*؛ امام حسین علیه السلام شریک قرآن؛ شهادت، حسین، قرآن؛ قرآن و امام حسین علیه السلام و مقالاتی چون: «وفا، امام حسین علیه السلام در قرآن» و «تجلی امام حسین علیه السلام در قرآن»؛ اما تاکنون اثر مستقلی به صورت کتاب، پایان‌نامه یا مقاله که صرفاً به بررسی گونه‌های روایات تفسیری در شأن امام حسین علیه السلام پرداخته باشد، مشاهده نشده است.

این مقاله تلاش می‌کند با جمع‌آوری و دسته‌بندی روایات تفسیری در فضیلت امام حسین علیه السلام به گونه‌شناسی این روایات پردازد تا کوششی در راستای شناخت فضایل قرآنی حضرت باشد.

با توجه به این که قرآن کریم معجزه جاویدان است و هیچ باطلی در آن راه ندارد، اثبات مبانی و مفاهیم امامت با استناد به آیات کلام وحی و هم‌چنین پرداختن به آیات خاص امامت که کمتر به این آیات توجه شده است، می‌تواند بُعد جدیدی از موضوعات امامت‌پژوهی را به اسلام‌پژوهان نشان دهد.

## گونه‌های روایات تفسیری

پژوهش‌های گونه‌شناختی در روایات تفسیری در فضیلت امام حسین علیه السلام، کاشف این نکته است که مهم‌ترین شاخص‌های روش تفسیری در روایات تفسیری، که در این نوشتار به «گونه‌شناسی روایات تفسیری» تعبیر می‌شود، از این قرار است:

### ۱. سبب نزول

«سبب نزول» عبارت از امری است که یک یا چند آیه و یا سوره‌ای کامل در پی آن و به خاطر آن در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، یا از ایشان درباره آن سؤال شده است.<sup>۲</sup> عموم محققان، تنها راه شناخت اسباب نزول را روایات می‌دانند. عموم اهل سنت، در کنار روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روایات صحابه و تابعین را نیز معتبر می‌شمارند و ایشان را گزارش‌گران صرف واقع، به دور از اجتهاد و داوری شخصی تلقی می‌کنند؛ اما عموم شیعه، در حالی که روایت را تنها راه دستیابی به اسباب نزول می‌دانند، اعتباری برای سخن غیر معصوم قائل نیستند، هم‌چنان که

۱. فصلت: ۴۲.

۲. المنار فی علوم القرآن، ص ۱۳۶؛ اسباب النزول، ص ۲۰؛ التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۵۴؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵؛ علوم القرآن، ص ۳۷؛ روش تفسیر قرآن، ص ۱۸.

در بررسی روایت معصوم علیه السلام نیز بیشتر به سند آن تکیه می‌کنند.<sup>۱</sup>  
 آیاتی از قرآن کریم به سبب واقعه یا پیش‌آمدی درباره اهل بیت علیهم السلام که امام حسین علیه السلام را نیز شامل می‌گردد، نازل شده است:  
**نمونه اول:** آیاتی از سوره «انسان» در جریان بخشش طعام توسط اهل بیت علیهم السلام به مسکین، یتیم و اسیر نازل شده است:

«يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعِمُونَ  
 الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ  
 لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»<sup>۲</sup>؛ آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از  
 روزی که شر و عذابش گسترده است، می‌ترسند و غذای (خود)  
 را با این‌که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین، یتیم و اسیر  
 می‌دهند. (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و  
 هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

در روایات معتبر فریقین، ذیل این آیات شریفه، داستان بیمار شدن حسنین علیهم السلام و نذر روزه گرفتن امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام جهت شفای بیماری ایشان و بخشش غذای افطار به سائل نقل شده است. در ادامه، درباره سبب نزول این آیات، روایاتی از منابع فریقین در این زمینه نقل می‌شود.

علی بن ابراهیم قمی از پدرش از عبدالله بن میمون از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «نزد فاطمه علیها السلام مقداری جو بود. با آن عصیده‌ای درست کرد. همین که آن را پختند و پیش خود نهادند تا تناول کنند، مسکینی آمد و گفت: خدا رحمتان کند، من مسکینی هستم! علی علیه السلام برخاست و یک سوم آن طعام را به سائل داد. چیزی نگذشت که یتیمی آمد و گفت: خدا رحمتان کند، یتیمی هستم! علی علیه السلام برخاست و یک سوم آن طعام را به یتیم داد. پس از لحظه‌ای اسیری آمد و گفت: خدا رحمتان کند! باز علی علیه السلام یک سوم آخر را هم به او داد و آن شب حتی طعم آن غذا را نچشیدند، و خدای تعالی این آیات را در شأن ایشان نازل کرد و این آیات درباره هر مؤمنی که در راه خدا چنین کند، جاری است.»<sup>۳</sup>

این روایت را که خلاصه‌ای از داستان اطعام ابرار است، شیخ صدوق به سند خود از مجاهد از ابن عباس و نیز به سند خود از خالد از جعفر بن محمد علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام و هم‌چنین به سند خود از محمد بن عباس بن ماهیار و او در

۱. علامه طباطبایی وحیدیت، ص ۱۴۴.

۲. انسان: ۹۷.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۹-۳۹۸.

تفسیرش به سند خود از ابن کثیر زبیری از عبدالله بن عباس روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup> در مناقب ابن شهر آشوب نیز این حدیث، از اصبع بن نباته روایت شده است.<sup>۲</sup> از منابع اهل سنت نیز حاکم حسکانی به سندش چنین نقل می‌کند: «زید بن ارقم می‌گوید: رسول خدا ﷺ از شدت گرسنگی به شکم خویش سنگ می‌بست. روزی حضرتش روزه گرفته بود و چیزی برای خوردن نداشت. در این هنگام به خانه فاطمه ؑ آمد و مشاهده نمود که حسن و حسین ؑ گریه می‌کنند. رسول خدا ﷺ فرمودند: فاطمه! به پسرانم غذا بده! فاطمه ؑ فرمود: جز برکت رسول خدا در خانه چیزی نداریم. در این هنگام رسول خدا ﷺ آب دهان خویش را در دهان آن دوریخت تا سیر شدند و خوابیدند. برای رسول خدا ﷺ سه قرص نان جو قرض کردند. هنگام افطار آن‌ها را در برابر ایشان گذاشتند تا بخورند. ناگاه گدایی آمد و گفت: از آنچه خداوند به شما روزی داده به من بدهید! رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! برخیز و قرص نانی به او ببخش. علی ؑ می‌گوید: من یک قرص نان برداشتم و به او دادم. سپس فرد دیگری آمد و درخواست کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! برخیز و به او قرص نانی ببخش. بلند شدم و قرص نانی به او بخشیدم. این شب همگی گرسنه خوابیدیم. هنگامی که صبح شد، به زحمت ورنج افتادیم و این آیه نازل شد.»<sup>۳</sup>

علاوه بر حاکم حسکانی، بسیاری از علمای اهل سنت، از جمله واحدی نیشابوری در تفسیر خود<sup>۴</sup>، ابن مغزلی<sup>۵</sup>، جوینی حموی<sup>۶</sup> در فرائد السمطين و... سبب نزول مذکور را پیرامون این آیات کریمه نقل کرده‌اند.

از شواهد تأیید این شأن نزول، سیاق آیات مذکور است. سیاق این آیات، سیاق داستان سرایی است؛ داستان مردمی از مؤمنان که قرآن نامشان را «ابرار» خوانده، از پاره‌ای کارهایشان، یعنی وفای به نذر و اطعام مسکین و یتیم و اسیرشان خبر داده، ایشان را می‌ستاید و وعدهٔ جمیلشان می‌دهد. معلوم می‌شود سبب نزول این آیات هم همین داستان بوده، و این داستان در خارج واقع شده؛ نه این که بخوهد قصه‌ای فرضی را جعل کند، آن‌گاه آثار خوب آن را برشمرده و کسانی را که آن چنان عمل کنند، وعدهٔ جمیل بدهد. نکتهٔ دیگری که باید بدان توجه داشت این است که در این آیات یکی از سه طایفه‌ای که به وسیلهٔ ابرار اطعام شده‌اند «اسیر» معرفی

۱. الأملی، ص ۲۶۱۲۵۷.

۲. مناقب آل ابی طالب ؑ، ص ۲۷۲.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۹۴.

۴. تفسیر البسیط، ج ۴، ص ۴۰۱.

۵. مناقب الإمام علی بن ابی طالب ؑ، ص ۲۷۴، ۲۷۲.

۶. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۵۲.



شده، و این خود شاهد بر آن است که آیات در مدینه نازل شده، و داستان بعد از هجرت رسول خدا ﷺ و قوت یافتن اسلام، و غلبه مسلمین بر کفار و مشرکان اتفاق افتاده، نه پیش از آن.<sup>۱</sup>

نمونه دوم: شاهد مثال دیگر در نزول آیتی از قرآن کریم در شأن امام حسین ﷺ، آیه ۶۱ سوره «آل عمران» است:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ»<sup>۲</sup>؛ هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با توبه محاجه و ستیز برخیزند. به آن‌ها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت کنیم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

این آیه کریمه به سبب درخواست مباحله و محاجه پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران نازل گردید و پس از نزول آن، پیامبر ﷺ مأموریت یافت علی بن ابی طالب ﷺ، فاطمه زهرا ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ را همراه خود برای انجام مباحله ببرد. مسیحیان نجران پس از مشاهده این افراد از عاقبت مباحله ترسیده و از انجام آن منصرف شدند. جهت توضیح بیشتر در این زمینه، دو شاهد پیرامون سبب نزول آیه از منابع فریقین نقل می‌گردد.

از منابع شیعه، در تفسیر عیاشی آمده است: «امام صادق ﷺ نقل می‌کنند: از امیرالمؤمنین ﷺ درباره فضایلشان سؤال شد. آن حضرت، قسمتی از فضایل خود را برای آن‌ها بازگو کرد. گفتند: یا علی! باز هم بگو. حضرت فرمود: نزد پیامبر ﷺ دو نفر از احبار نصارا از اهل نجران آمدند و درباره عیسی ﷺ به مباحثه پرداختند. خداوند متعال هم آیات مباحله را نازل فرمود. پس از این پیامبر ﷺ دست من، حسن، حسین و فاطمه را گرفت و کف دست خود را به سوی آسمان گشود و آن‌ها را به مباحله فراخواند.»<sup>۳</sup>

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

۲. آل عمران: ۶۱.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴. برای مشاهده سایر روایات شیعه درباره نزول آیه مباحله در شأن اهل بیت ﷺ، رک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۰۵؛ تفسیر فرات الکوفی، ج ۱، ص ۸۶؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۱۱۵، ۱۱۶؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۰۲؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۶۰؛ مناقب آل ابی طالب ﷺ، ج ۳، ص ۴۲۰؛ تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۱۱۸؛ بیان السعادة فی مقامات العباد، ج ۱، ص ۲۶۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۱، ۳۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۲۳، ...

از علمای اهل سنت نیز حاکم نیشابوری در *معرفه علوم الحدیث* می نویسد: «از ابن عباس نقل شده: آیه «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَ...» بر پیامبر ﷺ نازل شد. منظور از نفس پیامبر ﷺ، علی علیه السلام، منظور از «نساءنا و نساءکم» فاطمه علیها السلام و منظور از «ابناءنا و ابناکم» حسن و حسین علیهما السلام بوده و درخواست عذاب در حق دروغ‌گویان درباره عاقب، سید، عبدالمسیح و یاران آن‌ها بوده است.»<sup>۲۱</sup>

طبق این روایات، امام حسین علیه السلام مصداق «ابناءنا» در آیه کریمه هستند و از ایشان با عنوان «فرزند رسول خدا ﷺ» یاد شده است.<sup>۳</sup>

## ۲. جری و تطبیق

«جری» در لغت به معنای «روان شدن و جریان داشتن» است.<sup>۴</sup> «جری» به معنای جریان داشتن، تعبیری است که خود ائمه علیهم السلام برای استمرار پیام قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مراد از آن، انطباق الفاظ و آیات قرآن است بر مصداقی غیر از آنچه درباره آن‌ها نازل شده است؛ به گونه‌ای که از مخاطبان نخستین خود گذر کرده و بر افرادی که در قرن‌های بعد می‌آیند، منطبق می‌شوند.<sup>۵</sup>

نظریه این‌که قرآن مجید کتابی است همگانی و همیشگی، در غایب ماندن حاضر جاری است و به آینده و گذشته مانند حال منطبق می‌شود؛ مثلاً آیاتی که در شرایط خاصه‌ای برای مؤمنان زمان نزول، تکالیفی بار می‌کند، مؤمنانی که پس از عصر نزول دارای همان شرایطند، بی‌کم و کاست، همان تکالیف را دارند و آیاتی که صاحبان صفاتی را ستایش یا سرزنش می‌کند یا مژده می‌دهد یا می‌ترساند، هم چنین کسانی را که به آن صفات متصفند در هر زمان و در هر مکان که باشند، شامل می‌شود. بنابراین هرگز مورد نزول آیه‌ای، مخصّص آن آیه نخواهد بود؛ یعنی آیه‌ای که درباره شخصی یا اشخاصی معین نازل شده، در مورد نزول خود منجمد نشده، به هر موردی که در صفات و خصوصیات، با مورد نزول آیه شریک است، سرایت خواهد کرد و این خاصه، همان است که در عرف روایات، به نام «جری»

۱. *معرفه علوم الحدیث*، ص ۵۰۴۹.

۲. سایر منابع تفسیری و روایی اهل سنت که آیه مباحله را در شأن اهل بیت علیهم السلام و اصحاب کساء میدانند، عبارتند از: *مسند احمد بن حنبل*، ج ۱، ص ۱۸۵؛ *صحیح مسلم*، ج ۷، ص ۱۲۰؛ *سنن ترمذی*، ج ۵، ص ۶۵۹؛ *جامع البیان عن تأویل القرآن*، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۷۶؛ *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، ص ۸۵؛ *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۱۲۶؛ *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۴، ص ۱۰۴؛ *کشف الأسرار و عادات الأئبرار*، ج ۲، ص ۱۴۷؛ *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳، ص ۹۰؛ *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، ص ۲۳۹؛ *الدر المنثور فی تفسیر المائور*، ج ۲، ص ۳۸ و... .

۳. آیت بوستان، «ادله قرآنی و روایی ذریه بودن امام حسین علیه السلام بر پایه مناظره یحیی بن یعمر و حجاج بن یوسف»، ص ۳۷.

۴. *قاموس القرآن*، ج ۲، ص ۳۰.

۵. *ظاهر قرآن، باطن قرآن*، ص ۲۳۶.



نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

جری و تطبیق، روش اهل بیت علیهم‌السلام است، چه این‌که آنان، آیات قرآن را که قابل انطباق با مواردی غیر از موارد نزول باشد، تطبیق می‌کردند. روایات جری، که در صدد تطبیق آیات قرآن بر اهل بیت علیهم‌السلام یا بردشمنان ایشان است، در بخش‌هایی گوناگون، بسیار و بلکه افزون بر صدها روایت است.<sup>۲</sup> بی‌تردید، الغای خصوصیت از تعابیر و مفاد آیات و تطبیق بر مصداق برتریا مصداقی متعدد، نوعی تعمیم و توسعه معنایی الفاظ قرآنی را نشان داده، در دست یازیدن به مفهوم درست آن‌ها کمک می‌کند.<sup>۳</sup>

در برخی روایات تفسیری ذیل آیاتی از قرآن کریم، می‌توان تطابق این آیات را به معصومان علیهم‌السلام و از جمله امام حسین علیه‌السلام مشاهده کرد. شواهدی از روایات تطبیق برخی آیات قرآن بر امام حسین علیه‌السلام عبارتند از:

نمونه اول: در آیه پنجم سوره «قصص»، توارث زمین برای مستضعفان، مورد تأکید قرار گرفته است:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین ممت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

شیخ صدوق در معانی الأخبار به سند خود از محمد بن سنان، از مفضل بن عمر، روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم، می‌فرمود: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نگاهی به علی، حسن و حسین علیهم‌السلام کرد و گریست و فرمود: شما بعد از من مستضعف خواهید شد.» مفضل می‌گوید عرضه داشتم: معنای این کلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چیست؟ فرمود: «معنایش این است که: بعد از من شما امامید، چون خداوند می‌فرماید: "وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ". پس این آیه تا روز قیامت درباره ما جریان دارد و این پیشوایی تا روز قیامت در ما جاری است.»<sup>۴</sup>

در این‌که آیه مذکور درباره اهل بیت علیهم‌السلام است، روایات بسیاری رسیده است، و از این روایت برمی‌آید که همه روایات این باب از قبیل جری و تطبیق مصداق بر کلی است.<sup>۵</sup>

۱. قرآن در اسلام، ص ۲۸؛ حدیث پژوهی، «نقش کارکرد روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی»، ص ۵۸.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲.

۳. همان.

۴. معانی الأخبار، ص ۷۹.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۵؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۴۹؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۷.



نمونه دوم: در آیه سی و دوم سوره «أحزاب»، به وفای به عهد مؤمنان در راه حق و اسلام و انتظار برخی مؤمنان جهت فداکاری و ایثار اشاره شده است:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدهی که با خدا بستند، صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا این آیه شریفه را پس از اذن دادن به هر یک از اصحاب برای عزیمت به میدان و خداحافظی با آنان تلاوت می‌فرمودند و بر هر یک از اصحاب خود تطبیق می‌دادند و خود را نیز از «مَن يَنْتَظِرُ» معرفی می‌کردند. محمد بن ابی طالب روایت می‌کند که در روز عاشورا، هر فردی پیش از عزیمت به میدان نبرد، جهت گرفتن اجازه نبرد نزد امام حسین علیه السلام می‌رفت. امام حسین علیه السلام با دیدن اصحاب و یاران خود، و جهت روانه ساختن ایشان به میدان جنگ، آیه شریفه را تلاوت می‌فرمودند. امام علیه السلام برای تمام اصحاب و یاران خویش این آیه را تلاوت فرمود تا هنگامی که برای امام علیه السلام جز اهل بیتشان علیهم السلام فردی باقی نماند.<sup>۱</sup>

نمونه سوم: آیه سی و سوم سوره «اسراء» از کشتن نفس محترمه نهی می‌کند و قصاص قاتل فردی که به ناحق کشته شده، توسط ولی و جانشین آن فرد را امری ضروری می‌داند:

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا»؛ و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز به حق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم.

در تفاسیر مطرح شده از ناحیه اهل بیت علیهم السلام پیرامون این آیه کریمه، فردی که مظلومانه به قتل رسیده است، امام حسین علیه السلام معرفی شده و فردی که انتقام حضرت را می‌گیرد و قاتلان حضرت و یارانشان را قصاص می‌کند، حضرت مهدی علیه السلام عنوان شده است.<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۳ و ۱۵۸.

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰؛ تأویل الآیات الظاهره، ص ۲۷۴.



### ۳. بیان مصداق

بسیاری از روایات تفسیری در پی تفسیر آیات قرآن نیستند، بلکه در پی تطبیق آن بر برخی از مصداق آیه‌اند. با بررسی این مصداق می‌توان به الگوی کامل‌تری از روش فهم قرآن دست یافت. به دلیل همین رویکرد خاص معصومان علیهم‌السلام و برخی صحابه، بسیاری از روایات گردآمده در تفاسیر روایی، در پی تفسیر آیه نیستند، بلکه در پی تطبیق آن بر برخی مصداق و در موارد فراوانی، تطبیق بر بارزترین مصداق آن هستند.<sup>۱</sup>

طبق شأن نزول‌هایی که برای برخی آیات قرآن کریم، از سوی مفسران و محدثان فریقین نقل شده است، امام حسین علیه‌السلام مصداق برخی آیات قرآن کریم است. شواهد قرآنی در این زمینه را می‌توان آیاتی همچون آیه تطهیر<sup>۲</sup>، آیه مباحله<sup>۳</sup>، آیاتی از سوره انسان، آیه مودت<sup>۴</sup>، آیه ذبح عظیم<sup>۵</sup>، آیه لؤلؤ و مرجان<sup>۶</sup> و... برشمرد. در این جا به ذکر سه شاهد مثال اکتفا می‌شود.

**نمونه اول:** طبق روایات متواتر فریقین، پس از آن‌که آیه سی و سوم سوره احزاب: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» نازل شد، نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام علی علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام را فراخوانده و ایشان را از اهل بیت خویش، و به دور از هرگونه رجس و پلیدی معرفی کردند. برای نمونه سیوطی، از علمای اهل سنت، در تفسیر خود ذیل آیه کریمه ۳۳ احزاب روایت می‌کند: «ام سلمه می‌گوید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خانه وی و در محل خواب خود بود و عبای خیبری روی او افکنده بود. در این هنگام فاطمه علیه‌السلام آمد و همراه خودش ظرفی را آورد که در آن غذا بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: شوهر و دو فرزندت حسن و حسین را بخوان. حضرت فاطمه علیه‌السلام آن‌ها را فراخواند. آن‌ها با هم مشغول تناول غذا بودند که آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد. آن حضرت گوشه عبای خود را گرفته، با آن، آن‌ها را پوشانید. سپس دست خود را از عبا بیرون آورد و با آن به آسمان اشاره کرد و سه مرتبه چنین فرمود: "خدایا! اینان اهل بیت و خواص من هستند. رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آن‌ها را کاملاً پاک ساز!" ام سلمه گفت: من هم جهت تطهیر و همراهی با آنان سرم را داخل عبا کردم و گفتم: ای پیامبر خدا! من با شما هستم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو بار فرمود: همانا تو بر خیر و

۱. تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. آل عمران: ۶۱.

۴. شوری: ۲۳.

۵. صافات: ۱۰۷.

۶. الرحمن: ۲۲.

**نمونه دوم:** در روایات بسیاری از منابع فریقین، ذیل آیه ۳۷ سوره بقره: «فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»، کلماتی که به واسطه آن‌ها توبه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ پذیرفته شد، وجود نورانی پنج تن آل عبا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز جزو مصادیق آن‌هاست، معرفی شده است.

برای نمونه، در تفاسیر شیعه، ابوالفتح رازی ذیل آیه شریفه مذکور می‌نویسد: «چون خدای تعالی آدم را بیافرید و حیات در او آفرید، فاستوی جالسا؛ بنشست، او را عطسه‌ای فراز آمده. خدای تعالی او را الهام داد تا گفت: الحمد لله. خدای تعالی او را گفت: یرحمك ربك و لذلك خلقك؛ خدای برتور رحمت کناد و تورا خود برای رحمت آفرید! او بر ساق عرش نگرید؛ اشباحی و تماثیلی از نور دید بر صورت خود، نام هریک بر بالای سر او نوشته: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین. آدم گفت: خدایا! پیش از من بر صورت من خلقی آفریدی؟ گفت: نه. گفت: اینان که اند؟ گفت: فرزندان تو اند، و لولا هم لما خلقتك؛ و اگر نه ایشانندی، تورا خود نیافریدمی. گفت: خدایا! گرامی بندگانند بر تو. گفت: ای آدم! این نام‌ها یاد گیر تا در وقت درماندگی مرا به این نام‌ها بخوانی تا فریادت رسم. آدم آن نام‌ها یاد گرفت. چون این ترك مندوب کرد و خواست تا از آن توبه کند و مثل آن ثواب فوت شده از او دریابد، گفت: خدایا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، الا تبت علی فتاب الله علیه؛ به حق این بزرگان که توبه من قبول کنی. خدای تعالی توبه او قبول کرد. فهذه هي الكلمات.»<sup>۲۲</sup>

در منابع تفسیری اهل سنت نیز سیوطی در درّ المنثور، ذیل آیه شریفه از ابن نجار روایت کرده که ابن عباس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقصود از کلماتی را که خداوند به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تلقی کرده بود، پرسید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ فرمودند: «قال سأل بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين الا تبت علی فتاب علیه.»<sup>۲۳</sup> خاطر نشان می‌گردد که این روایت را ابن مغازلی شافعی در مناقب و هم چنین

۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۳.

۲. سایر منابع تفسیری و روایی فریقین که سبب نزول آیه تطهیر را درباره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دانسته اند عبارتند از: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ الأملی، ص ۳۸۱؛ جامع البیان عن تأویل القرآن، ج ۱۲، ص ۶؛ الشریعه، ج ۴، ص ۳۸۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۵۸؛ تفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۲۱۰؛ الجواهر الحسنان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۶ و... .

۳. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲۹.

۴. در تفاسیر و روایات شیعه همچون: تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۰۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۹؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۴۰؛ منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۶۵ و... ذیل آیه کریمه، مشابه همین معنا آمده است.

۵. الدر المنثور، ج ۱، ص ۶۱.



قندوزی در ینابیع الموده نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

**نمونه سوم:** آیه بیست و سوم سوره شوری: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» که به «آیه مودت» مشهور است، دربارهٔ وجوب محبت و رزیدن به خاندان عصمت علیهم‌السلام نازل شده است. در تفاسیر و روایات فریقین، مصداق نزدیکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که مودت ایشان اجر نبوت عنوان شده است، امام علی علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیها‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام معرفی شده‌اند. برای مثال، در کتاب *شواهد التنزیل* ذیل آیه مودت، ۲۲ روایت نقل شده که بیشتر آن‌ها دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام است؛ برای نمونه، حاکم حسکانی روایتی از امام حسین علیه‌السلام را در کتابش ذکر کرده که در آن آمده است: «هنگامی که معاویه به مروان بن حکم، حکم داد که دختر عبدالله بن جعفر را به عقد یزید دریاورد و عبدالله بن جعفر اختیار را به دست امام حسین علیه‌السلام داد، امام عقد دختر عبدالله را برای قاسم بن محمد بن جعفر خواند و در مسجد پیامبر ضمن خطبه‌ای فرمود: «إِنَّ الْقَرَابَةَ الَّتِي عَظَّمَ اللَّهُ حَقَّهَا وَأَمَرَ بِرِعَائِهَا وَأَنْ سَأَلَ نَبِيَّهَ الْأَجْرَ لَهَ بِالْمَوَدَّةِ لِأَهْلِهَا قَرَابَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ قرابتی که خدا حق آنان را بزرگ شمرده و امر کرده است به رعایت آن و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مودت ایشان را برای اجر خواسته است، قرابت ما اهل بیت است.»<sup>۲</sup>

#### ۴. تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن، به این مفهوم است که قرآن را با قرآن معنا کنیم و معنای هر آیه را با یاری تدرج در آیات متشابه به دست آوریم. در این روش، مفسر بیش از هر چیز از خود قرآن کمک می‌گیرد و مستندات قرآنی او در تفسیر، بیش از امور دیگر است.<sup>۳</sup> این روش تفسیر مورد تأیید و تأکید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده<sup>۴</sup> و احادیثی نیز از معصومان علیهم‌السلام در تأیید آن وارد شده است.<sup>۵</sup> گفتنی است، عده‌ای این روش را بهترین روش تفسیر قرآن<sup>۶</sup> و راه‌گشای مبهمات تفسیری دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

۱. مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، ص ۶۳؛ ینابیع الموده، ص ۹۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳. شواهد دیگر تفسیری و روایی فریقین مبنی بر اینکه مصداق «ذوی القربی» در آیه کریمه، اهل بیت عصمت و طهارتند، عبارتند از: تفسیر فرات کوفی، ص ۳۹۹۳۸۸؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ *روض الجنان*، ج ۱۷، ص ۱۲۳؛ تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۱؛ جامع الاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۱۹۱۸؛ تفسیر کبیر، ج ۱۴، ص ۱۶۷.۱۶۶؛ *بحار الأنوار*، ج ۲۶، ص ۲۵۲ و...

۴. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۴؛ *روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم*، ص ۱۱۹.

۵. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۱۵.

۶. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۳۳.

۷. *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶؛ *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۱، ص ۳۹؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۱۱.

۸. *الإتقان فی علوم القرآن*، ج ۲، ص ۵۵۵.



طبق آیاتی از قرآن کریم، امام حسین علیه السلام جزو افرادی است که به ظاهر و باطن قرآن کریم دسترسی دارد. خداوند متعال در آیاتی از سوره «واقعه» در توصیف قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ \* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ آن، قرآن کریمی است که در کتاب محفوظی جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند].

در تبیین و یافتن مصداق «مطهرون»، می‌توان به آیه شریفه ۳۳ سوره «أحزاب» مراجعه کرد که خداوند در قسمتی از این آیه کریمه می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». ملاحظه می‌گردد که در این آیه شریفه، «مطهرون» همان «اهل بیت» هستند که خداوند آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده است. طبق سبب نزولی که در منابع تفسیری و روایی فریقین، ذیل این آیه شریفه نقل شده است<sup>۱</sup>، مقصود از «اهل بیت» در آیه، اصحاب کساء یعنی علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام هستند. در نتیجه با در کنار هم نهادن آیات مذکور و شأن نزول نقل شده پیرامون آیه ۳۳ «أحزاب»، می‌توان گفت امام حسین علیه السلام از مصداق «مطهرون» است که به فهم ظاهر و باطن قرآن کریم دسترسی دارد. مؤید دیگر این استدلال، روایاتی است که ذیل آیه ۷۸ سوره «واقعه» نقل شده و اهل بیت علیهم السلام را مصداق «مطهرون» معرفی می‌کنند.<sup>۲</sup>

## ۵. بطن آیات

یکی از مهم‌ترین روش‌های تفسیری، تفسیر باطنی قرآن کریم است که گاه از آن به تفسیر اشاری، رمزی و شهودی نیز یاد می‌شود.<sup>۳</sup> عبدالعظیم زرقانی در تعریف آن چنین آورده است: «تفسیر اشاری، تأویل غیرظاهری قرآن است که به استناد اشاره پنهانی که برای اهل سلوک و تصوف آشکار می‌شود، می‌توان میان معنای باطن یا معنای ظاهر قرآن نیز جمع کرد».<sup>۴</sup>

آیت‌الله معرفت در این باره چنین آورده است: «اهل عرفان باطنی، تفاسیری دارند که بر اساس تأویل ظاهر و عمل به باطن تعبیرات قرآن و نه دلالت ظاهری مبتنی است. چنین تفسیری بر دلالت رمز و اشاره در اصطلاح آنان تکیه دارد؛ که از باطن کلام برگرفته می‌شود و صراحت لفظ به حساب نمی‌آید».<sup>۵</sup>

۱. واقعه: ۷۹۷۷.

۲. اسناد آن در قسمت‌های پیشین همین پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

۳. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۸۴۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۳۰؛ الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۵۶.

۴. رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۴۹۱.

۵. مناهل العرفان، ج ۲، ص ۸۶.

۶. التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۵۲۶.



از آن جایی که یکی از دلایل وجود باطن برای قرآن، روایات است، برای پی بردن به این که مراد از باطن قرآن چیست، نیز باید از روایات کمک گرفت؛ یعنی باید دید همان روایت‌هایی که از وجود باطن قرآن خبر داده‌اند، ماهیت باطن قرآن را چگونه معرفی کرده‌اند؛ و صحت و سقم وجوه و اقوال یادشده نیز با توجه به ویژگی‌هایی که در روایات برای باطن قرآن بیان شده، روشن می‌شود. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده: «سمعتُ رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ليس من القرآن آيةٌ ولها ظهرٌ و بطنٌ.»<sup>۱</sup> در این روایت، وجود ظاهر و باطن برای قرآن مسلم به شمار آمده و تردیدی نیست که منظور از «ظاهر»، معارفی است که از ظاهر آیات فهمیده می‌شود، و منظور از «باطن»، معارف باطنی آیات است.

روایاتی نیز وجود دارد که ضمن خبر از وجود باطن برای قرآن، یا مسلم دانستن آن، مشخصاتی را نیز برای ظاهر و باطن بیان کرده‌اند؛ برای نمونه، فضیل گوید: از ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) درباره روایت: «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر این که برای آن ظهری و بطنی است» پرسیدم. فرمودند: «ظهران تنزیل آن است، و بطن آن تأویل آن.»<sup>۲</sup>

بنا بر روایات تفسیری، باطن برخی از آیات بسیاری از قرآن کریم، ناظر به امام حسین علیه السلام است.

**نمونه اول:** در آیات ۱۰۲ تا ۱۰۹ سوره «صافات»، ماجرای رؤیای صادق حضرت ابراهیم علیه السلام مبنی بر ذبح فرزندش و تصمیم جدی ابراهیم علیه السلام بر این عمل مطرح شده است. طبق این آیات کریمه، این فرمان الهی، عاملی برای امتحان و سنجش درجه خلوص حضرت ابراهیم علیه السلام عنوان شده است: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ\* وَ قَدْ نَاءَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»<sup>۳</sup>؛ این مسلماً همان امتحان آشکار است. ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم.

تفسیر و معنای ظاهری آیه این است که ما فرزند ابراهیم علیه السلام را فدا کردیم به ذبحی عظیم که عبارت بود از قوچی که جبرئیل از ناحیه خداوند متعال آورد و مراد از «ذبح عظیم»، بزرگی درجه در جثه و ابعاد فیزیکی و حجم مادی آن نیست، بلکه چون از ناحیه خدا آمد و خدای تعالی آن را عوض اسماعیل قرار داد، عظمت داشت.<sup>۴</sup> اما درباره آیه، تفسیر باطنی نیز از معصومان علیهم السلام نقل شده که طبق آن، مقصود از «ذبح عظیم» در آیه، امام حسین علیه السلام است. شیخ صدوق به سند خود از

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. بصائر الدرجات، ص ۱۹۶.

۳. صافات: ۱۰۷، ۱۰۶.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۳۲.

فضل بن شاذان که از شاگردان برجسته امام رضا علیه السلام است، نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «هنگامی که حق تعالی حضرت ابراهیم علیه السلام را امر فرمود که جای فرزندش اسماعیل، برّه که از برای او فرستاده بود قربانی کند، ابراهیم علیه السلام از خداوند آرزو کرد که: کاش فرزند خود اسماعیل را به دست خود در راه خدا قربانی می‌کردم و کاش مأمور نشده بودم به قربانی کردن بره جای اسماعیل، تا این که قلب من رجوع کند و قلب پدری شود که عزیزترین فرزندان خود را به دست خود در راه دوست قربانی کند و به این سبب، درجه‌های او بلندتر شود از کسانی را که حق تعالی به آن‌ها ثواب عطا فرموده به جهت نزول مصائب به آن‌ها. حق تعالی وحی به سوی او فرستاد که: ای ابراهیم! از مخلوق من کیست دوست‌تر به سوی تو؟ عرض کرد: پروردگارا! این همه مخلوق را که آفریدی، احدی را بیش از حبیب تو محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم دوست‌تر ندارم. حق تعالی به او وحی فرستاد که: آیا او را بیش‌تر دوست می‌داری یا خود را؟ عرض کرد: بلکه او را. فرمود: فرزند او را بیشتر دوست می‌داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد: بلکه فرزند او را. فرمود: قربانی شدن فرزند او بردست دشمنان او از روی ظلم، بیشتر درد تو را به درد می‌آورد یا قربانی کردن فرزند خود را به دست خود در اطاعت من؟ عرض کرد: بلکه قربانی شدن فرزند او بردست دشمنان او بیشتر دلم را به درد می‌آورد. فرمود: ای ابراهیم! طایفه را گمان برسد که از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشند و بکشند فرزند او حسین را بعد از او به جور و ستم مانند آن که برّه را ذبح کنند؛ یعنی قتل آن حضرت نزد آن‌ها عظمی ندارد و مستوجب شوند به این سبب سخط و غضب مرا. پس فریاد و فغان ابراهیم علیه السلام بلند شد و دل او به درد آمد و شروع کرد به گریه کردن. پس خطاب از مصدر جلال الهی رسید که: ای ابراهیم! جزع و فغان تو را فدای فرزندت اسماعیل قرار دادم، مثل آن که اسماعیل را به دست خودت فدا کرده، چون بر حسین علیه السلام و قتل او گریه کردی و واجب گردانیدم از برای تو بلندترین درجات کسانی را که ثواب دادم به جهت مصائب و این است تفسیر قول حق تعالی که می‌فرماید: وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»<sup>۱</sup>

**نمونه دوم:** در آیه ۳۵ سوره «نور»، خداوند برای نور خود مثل‌هایی را ذکر کرده است:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ  
الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ  
شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۹.

لَمْ تَمَسْسُهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خداوند نور آسمانها و زمین است. مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد. آن چراغ در حبابی قرار گیرد؛ حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان. این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی. (روغنش آن چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود. نوری است بر فراز نوری. و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خداوند به هر چیزی دانا است.

در این آیه شریفه، بر اساس تأویل و تفسیر باطنی ائمه هدی علیهم السلام، اهل بیت علیهم السلام و از جمله امام حسین علیه السلام مثل هایی برای نور الهی هستند. در روایتی مندرج در تفسیر قمی، از امام صادق علیه السلام در تأویل این آیه شریفه آمده است: «مقصود از "مشکاة" در این آیه، فاطمه علیها السلام است. مقصود از "مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ" امام حسن و امام حسین علیهم السلام هستند.»<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام که در اصول کافی نقل شده است، حضرت مقصود از «مشکاة» را فاطمه زهرا علیها السلام معرفی کردند. مقصود از «فیها مصباح» را امام حسن علیه السلام عنوان داشتند و «المصباح فی الزجاجة» را ناظر به امام حسین علیه السلام دانستند.<sup>۲</sup>

مثل نور حق، مثل عالمه منیره است به مصباح نور حسن و حسین علیهم السلام که آن ظهور به واسطه ظهور ائمه هدی علیهم السلام از ولد حسین علیه السلام چندین برابر می شود و باید مراد نور باطنی و واقعی باشد.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۸۰.

۳. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، ص ۷۹۹.



## نتیجه‌گیری

پرسش کلیدی این پژوهش، تنوع گونه‌های روایات تفسیری پیرامون آیات نازل در فضیلت امام حسین علیه السلام است. این پژوهش، مستند به روایات معتبر فریقین، توضیح و تبیین اقسام روش‌های تفسیری در زمینه آیات نازل در شأن امام حسین علیه السلام را رهیافتی مناسب جهت پاسخ به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱. آیاتی از قرآن کریم، به سبب واقعه یا پیش‌آمدی در فضیلت اهل بیت علیهم السلام، که امام حسین علیه السلام نیز از مصادیق اهل بیت علیهم السلام است، نازل شده‌اند. سبب نزول آیاتی از سوره «انسان» که به دلیل بخشش سه روزه طعام توسط اهل بیت علیهم السلام به مسکین، یتیم و اسیر نازل شده‌اند و هم‌چنین نزول آیه ۶۱ سوره «آل عمران» را که در جریان درخواست مباحله مسیحیان نجران با پیامبر صلی الله علیه و آله و انصراف ایشان از مباحله با مشاهده اهل بیت علیهم السلام نازل شده، می‌توان شاهد مثالی از روش تفسیری سبب نزول آیات برشمرد.

۲. با عنایت به سنت جری و تطبیق، و عدم انحصار آیات کلام وحی در زمانی خاص، و بنا بر روایات معتبر فریقین، آیاتی از قرآن کریم به امام حسین علیه السلام تطبیق یافته است. آیه پنجم سوره «قصص» که در آن توارث زمین برای مستضعفین مطرح شده، از این جمله است. طبق روایاتی صادره از ائمه اهل بیت علیهم السلام، این آیه بر امام حسین علیه السلام جاری و مطابق است، ولی منحصر در ایشان نیست. هم‌چنین در آیه ۳۲ «أحزاب» نیز از مؤمنانی یاد شده که به عهد خود وفادار مانده‌اند و عده‌ای نیز در انتظار ایثار در راه خدا هستند. طبق روایات، این آیه بر امام حسین علیه السلام تطبیق یافته است. در آیه ۳۳ سوره «أحزاب» نیز، مظلومی که برای او حق قصاص قرار داده شده، امام حسین علیه السلام معرفی شده است؛ البته باید توجه داشت، این تفسیر منحصر در امام حسین علیه السلام نیست و هر مظلومی را شامل می‌شود.

۳. طبق روایات تفسیری فریقین، امام حسین علیه السلام مصداق برخی آیات قرآن کریم است؛ از جمله می‌توان حضرت را مصداق «اهل بیت» در آیه ۳۳ «أحزاب» (آیه تطهیر)، مصداق کلماتی که در آیه ۳۷ سوره بقره از آن‌ها یاد شده و به وسیله آن‌ها توبه حضرت آدم علیه السلام پذیرفته شد و هم‌چنین مصداق «ذی القربی» که مودت و محبت ورزیدن به ایشان، اجر رسالت عنوان شده است، برشمرد.

۴. روش تفسیر قرآن به قرآن، به عنوان یکی از روش‌های کارآمدی تفسیری در آیات پیرامون فضایل امام حسین علیه السلام تجلی یافته است. بنا بر آیه ۷۹ سوره واقعه، دسترسی به قرآن جز برای «مطهرین» امکان‌پذیر نیست. در آیه ۳۳ سوره «أحزاب»، مصداق «مطهرین»، اهل بیت معرفی شده که بنا بر تفاسیر و روایات معتبر فریقین،



مراد از «اهل بیت» در این کریمه، پنج تن آل عبا هستند که امام حسین علیه السلام نیز از مصادیق آنهاست. در نتیجه، با کنار هم نهادن این دو آیه، مراد از «مطهرون» مشخص شد.

۵. امام حسین علیه السلام باطن بسیاری از آیات کلام وحی است. بنا بر روایات تفسیری، امام حسین علیه السلام باطن «ذبح عظیم» در آیه ۱۰۷ سوره «صافات» و باطن «مصبح» در آیه ۳۵ سوره «نور» است.



## کتاب نامه

- قرآن کریم (ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش).
- الإتقان في علوم القرآن، جلال الدين سيوطي، بيروت: دار الإحياء العلوم، ۱۴۰۷ق.
- الإحتجاج، احمد بن علي طبرسي، مشهد: مرتضى، ۱۴۰۳ق.
- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد مفيد، قم: دار المفيد، ۱۴۱۴ق.
- اسباب النزول، سيد محمد باقر حجتى، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
- الأمالي، محمد بن علي بن بابويه، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
- آيت بوستان، «ادله قرآنى و روايى ذريه بودن امام حسين عليه السلام برپايه مناظره يحيى بن يعمر با حجاج بن يوسف»، ميثم خليلي و جواد فرامرزي، شماره ۲، ص ۴۷، ۲۹، ۱۳۹۵ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۹۸۳؛ تهران: دارالکتب الاسلامية، بی تا.
- البرهان في تفسير القرآن، هاشم بن سليمان بحراني، تهران: بنياد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- البرهان في علوم القرآن، بدرالدين محمد بن عبدالله زركشى، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۶ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن الحسن صفار، قم: بی نا، ۱۴۰۴ق.
- بيان السعادة في مقامات العباد، سلطان محمد گنابادى، بيروت: مؤسسة الأعلمى، ۱۴۰۸ق.
- تاريخ مدینه دمشق، ابوالقاسم علي بن الحسن بن عساکر، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، شرف الدين علي حسینی استرآبادى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۰۹ق.
- ترجمه الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائى، ترجمه: محمد باقر موسوى، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴.
- تفسير البسيط، احمد بن محمد واحدی، مصر: دار المصور العربى، ۲۰۰۹م.
- تفسير العياشى، محمد بن مسعود عياشى، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
- تفسير القرآن العظيم، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير، بيروت: دار إبن حزم، ۱۴۰۷ق.
- تفسير القمى، علي بن ابراهيم قمى، قم: دار الكتاب، ۱۳۶۳ش.
- تفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، محمود بن عمر فخر رازى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
- تفسير تسنيم، عبدالله جوادى آملی، قم: مركز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- تفسير فترات الكوفى، فرات بن ابراهيم كوفى، تهران: مؤسسه الطبع و النشر لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى، ۱۹۹۰م.
- تفسير نور الثقلين، عبد علي بن جمعه عروسی حویزى، قم: اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.
- التفسير والمفسرون في ثوبه القشيب، محمد هادى معرفت، مشهد: دانشگاه رضوى، ۱۴۱۸ق.
- جامع البيان عن تأويل القرآن، ابو جعفر محمد بن جرير طبرى، بيروت: دارالفکر، بی تا.
- الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبى، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴؛ بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ۱۴۰۵ق.
- الجواهر الحسان في تفسير القرآن، عبدالرحمن بن محمد ثعالبى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۹۹۷م.
- حديث و اندیشه، «تحليل گونه شناسى روايات تفسيرى معصومان عليه السلام»، سیده زینب وحدتى شیبیری، شماره ۱۵، ۱۳۹۲ش.
- حديث پژوهى، «نقش و کارکرد روايات تفسيرى معصومان عليه السلام با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایى»، محمد تقى ديارى بيدگلى، شماره ۵، ص ۶۸، ۴۳، ۱۳۹۰ش.
- الخصال، محمد بن علي بن بابويه، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۶۲ش.



- **الدر المنثور في تفسير المأثور**، جلال الدين سيوطي، قم: كتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.  
- **رابطه متقابل کتاب و سنت**، علی نصیری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- **الرجال**، حسن بن علی بن داود حلّی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.  
- **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبغ المثنائی**، سید محمود آلوسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- **روش تفسیر قرآن**، محمود رجیبی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.  
- **روش شناسی تفسیر قرآن کریم**، علی اکبر بابایی و همکاران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
- **روش های تأویل قرآن**، محمد کاظم شاکر، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.  
- **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، حسین بن علی ابوالفتوح رازی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- **روضه الواعظین و بصیرة المتعظین**، محمد بن احمد بن فتال نیشابوری، قم: رضی، ۱۳۷۵ش.  
- **سراج منیر**، «روش شناسی تفسیری امام رضا (علیه السلام)»، علیرضا فخاری، شماره ۱۱، ص ۴۲، ۲۵، ۱۳۹۲ش.
- **سنن ترمذی**، ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دار احیاء التراث، بی تا.  
- **شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم**، سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ش.
- **الشریعه**، ابوبکر محمد بن حسین آجری بغدادی، قاهره: مؤسسه قرطبه، ۱۴۱۷ق.  
- **شواهد التنزیل**، عبیدالله بن احمد حسکانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
- **صحیح مسلم**، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت: دارالفکر، بی تا.  
- **ظاهر قرآن، باطن قرآن**، محسن میرباقری، تهران: بی جا، ۱۳۸۰ش.
- **علامه طباطبائی و حدیث**، شادی نفیسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.  
- **علوم القرآن**، سید محمد باقر حکیم، بی جا: مجمع العالمی لأهل البیت، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ق.
- **علوم حدیث**، «روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت»، مهدی مهریزی، شماره ۵، ۱۳۸۹ش.
- **عیون أخبار الرضا (علیه السلام)**، محمد بن علی بن بابویه، ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۳ش.
- **فرائد السمطين**، ابراهیم بن محمد جوینی حموی، قم: دارالحبيب، ۱۴۲۸ق.  
- **فهرست اسماء مصنفی الشیعه**، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.
- **قاموس القرآن**، سید علی اکبر قرشی، تهران: ایرانسال، ۱۳۷۱ش.  
- **قرآن در اسلام**، سید محمد حسین طباطبائی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- **الکافی**، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ق.  
- **کتاب سلیم بن قیس**، سلیم بن قیس هلالی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.  
- **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، جاراالله محمود بن عمر زمخشری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
- **کشف الأسرار و عدة الأبرار**، احمد بن محمد ميبدي، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.  
- **الکشف والبيان فی تفسیر القرآن**، احمد بن ابراهیم ثعلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

- كمال الدين وتمام النعمة، محمد بن علي بن بابويه، تهران: الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.  
-كنزالدقائق وبحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمي مشهدي، تهران: وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۸ش.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسي، تهران: فراهاني، ۱۳۶۰ش.
- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، علي بن ابي بكر هيثمي، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- مدارك التنزيل وحقائق التأويل، عبدالله بن احمد نسفي، بيروت: دارالنفايس، ۱۴۱۶ق.
- المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبدالله حاكم نيشابوري، مصر: دارالحرمين، ۱۴۱۷ق.
- مسند احمد بن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل، بيروت: مؤسسة الكتاب الثقافية، ۱۴۰۸ق.
- معاني الأخبار، محمد بن علي بن بابويه، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۳ق.
- معرفة علوم الحديث، محمد بن عبدالله حاكم نيشابوري، بيروت: دار الآفاق الجديد، ۱۴۰۰ق.
- المنار في علوم القرآن، محمد علي الحسن، بيروت: دارالبشير، ۱۴۲۱ق.
- مناقب الإمام علي بن ابي طالب عليه السلام، علي بن محمد بن مغازلي، بيروت: دارالاضواء، بي تا.
- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، محمد بن علي بن شهر آشوب، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۱۲ق.
- مناهل العرفان، عبدالعظيم زرقاني، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۹۸۸م.
- منهج الصادقين في إلزام المخالفين، ملا فتح الله كاشاني، تهران: كتاب فروشي علمي، ۱۳۳۶ش.
- الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
- نهج البلاغه، شريف رضی، تصحيح: صبحي صالح، قم: دار الهجره، بي تا.
- ينابيع المودة، سليمان بن ابراهيم قندوزي، استانبول: بي تا، ۱۳۰۲ق.



